مسلمانان در صربستان

ترجمه: شریعت زاده

علی رغم مشکلات موجود در رابطه با تخمین جمعیت مسلمانان در یوگسلاوی، در این برهه از زمان، ارائه چنین آماری ضروری به نظر می رسد. تنها آماری که از معتقدین به مذهب در یوگسلاوی پیشین ارائه گردیده، متعلق به سال 1953 می باشد و از آن به بعد، در این زمینه هیچ آمار صحیحی در دست نیست. دومین آمارگیری یوگسلاوی از مسلمانان، در سال 1991 انجام پذیرفته است که تعداد زیادی از جمعیت آلبانی تبار کوزوو، از شرکت در آمارگیری فوق امتناع ورزیدند. امروزه این سؤال مطرح است که علی رغم اعلام حضور یک میلیون نفر مسلمان در یوگسلاوی، در واقع چه تعدادی از این مسلمانان در کوزوو زندگی می کنند؟

لازم به ذکر است که بر اساس همین سرشماری، تعداد مسلمانان در ایالت شمالی صربستان یعنی ویوودینا، بالغ بر دویست و چهل و پنج هزار و یکصد و نود نفر می شود.

مسلمانان یوگسلاوی در سه شهر بلگراد، نووی پازار و پریشتینا تمرکز یافته اند. علی رغم روابط خوب مسلمانان با دیگر اتحادیه های مذهبی، از جمله کلیسای ارتدوکس، هنوز شکل کلی روابط آنها نسبت به یکدیگر در دست نمی باشد. روابط آنها نسبت به حکومت، بی تفاوت و حتی بعضا خصمانه است. اقلیت مزبور مستقر در سانجاک، در راستای منافع سیاسی خود در زمان اضمحلال و فروپاشی یوگسلاوی سابق، به سارایوو پناه آورده، آلبانی تباران وضعیتی را ایجاد نمودند که کشور را به خط مشی جدیدی (جنگ) رهنمون ساخت و در این میان، با ندای استقلال برای جداسازی کوزوو از یوگسلاوی، بدون توجه به عواقب بعدی، تدارک سرزمین جدیدی را دیدند. مسلمانان ساکن بلگراد، به طور پراکنده در این شهر بزرگ زندگی کرده، آماده هرگونه فداکاری برای صربستان می باشند. چنین تاثیری به طور یقین، نشات گرفته از اسلام نیست، ولی این نکته را نیز بایستی مد نظر داشت که اتحادیه اسلامی در طرح فکری این اعضا، بی تاثیر نبوده و شاید هم در پشت پرده عضویت در اتحادیه مزبور، علایق ناسیونالیستی، این حالات را برای آنها ایجاد نموده است.

حضور مسلمانان در صربستان، به قرن شانزدهم به بعد و به عبارتی به زمان حضور ترکهای عثمانی در صربستان بازمی گردد. به قول دارکو تاناسکوویچ، یکی از اعضای دانشگاه بلگراد و سفیر فعلی جمهوری فدرال یوگسلاوی در ترکیه، شکل گیری هسته مرکزی اسلام در یوگسلاوی، از زمان روند طولانی مدت اسلام سازی در بین اقلیتهای مختلف نژادی نسل اسلاو و همچنین مهاجرتهای شرق تبار، جذب و اسکان گروههای غیر اسلاو و از همه مهمتر، اقامت تعداد قلیلی از ترک نژادهای مهاجم، از زمان هجوم عثمانی به صربستان، آغاز گردیده است.

تا هنگام برگزاری کنفرانس برلین در سال 1878 که صربستان به عنوان کشور پادشاهی به دنیا معرفی گردید، در کل این کشور، تنها چند ده هزار نفر مسلمان زیسته اند. لازم به ذکر است که به مسلمانان صربستان، حتی از زمان میخائیلو اوبرادوویچ در سال 1868، «آن هم برای آرام سازی آنها»، استفاده از مسجد «بایراکلی » که هنوز نیز در بلگراد موجود می باشد، داده شده است. یعنی دقیقا زمانی که ده سال بعد از آن، صربستان با مقامات شهر نیش که از تعداد زیادی مسلمان برخوردار بود، توافقنامه ای به امضا رساند که بر مبنای آن، شهروندان پیرو دین اسلام، مانند دیگر اقلیتهای مذهبی در این کشور، می توانند به ترویج قوانین دینی خود بپردازند.

در کشور پادشاهی صربستان، کرواسی، اسلوونی تا سال 1918، تعداد مسلمانان بالغ بر یک و نیم میلیون نفر تخمین زده می شد که اکثریت این افراد، در بوسنی و هرزه گوین زندگی می کرده اند. با توجه به آمار فوق، با فروپاشی یوگسلاوی سابق در سال 92-1991، جمعیت مسلمانان تا مرز بیش از چهار میلیون نفر رسید.

علی عزت بگویچ، عضو شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزه گوین، گذشته از تمامی مسائل سیاسی، به عنوان یکی از رهبران برجسته اسلامی در قرن بیستم در منطقه جنوب شرق اروپا به شمار می رود (وی در اوان کودکی به علت عقاید اسلامی، دستگیر گردید و بعد از آن، در دوران بلوغ فکری، چیزی نمانده بود که مؤسس حکومتی اسلامی در اروپا باشد). وی در دهه هشتاد میلادی، در کتاب خود، چنین برداشتی از دنیای آن روز دارد:

«جهان امروز دارای سه مرکزیت ویژه می باشد که عبارتند از مذهب، ماتریالیسم و اسلام. وی در تقسیم بندی فوق، مذهب را از نقطه نظر مفاهیم اروپایی بیان می دارد، بنابراین بر اساس مفاهیم باطنی این کتاب، اسلام و مذهب هیچ وجه اشتراکی باهم ندارند; زیرا اسلام از جایگاهی برتر برخوردار است (کتاب اسلام بین شرق و غرب، 1988). چنین افکاری، مکمل ترس و وحشت در میان سردمداران آن زمان گردید و برای بسیاری غیر قابل تحمل بود; زیرا پایه های حکومت فدرال (متشکل از نژادهاو مذاهب مختلف) را متزلزل می ساخت، بنابراین به وضوح دیده می شود که چنین افکاری، در واقع هشداری برای مسائل امروز بوده است. ژان - رنه میلوت، نویسنده کتاب «اسلام و مسلمانان »، در سال 1982 در چارچوب ایدئولوژی اسلامی متذکر می شود که:

وقتی که شخصی خود را مسلمان می خواند، در حقیقت این مساله را در چارچوب سه جمله زیر پذیرفته است: 1- من تنها خدا (الله) را می پرستم 2- من به تنها مذهب یگانه، یعنی اسلام، اعتراف می کنم 3- من جزو مجموعه ای هستم که معرفت به اسلام می باشند.

در اعترافات فوق، می توان فرق فاحش مسیحیت و اسلام را به وضوح دریافت. در مسیحیت نیز مانند قانون اساسی آمریکا (مصوبه 1787)، اولین بندهای تصویبی در قانون اساسی آمریکا و به عبارتی، حکومت مدرن اروپایی جدایی دین از سیاست قید گردیده، همچنین آزادی فردی شهروندان در امور دینی، هیچ گونه پیوندی با عقاید مذهبی ندارد. این مساله برای اسلام غیر قابل قبول است. عزت بگویچ غیر قابل تفکیک بودن دین از دنیا را دقیقا در دهه هشتاد میلادی، برای ما ترسیم نمود و به گفته وی، در اسلام تمامی راهها برای جدایی دین از سیاست، مسدود می باشد. در اسلام برای روحانی (کشیش) و کلیسا) جایگاه ویژه ای وجود ندارد. بنابراین نمی توان دین را از سیاست جدا نمود. امروزه با توجه به جوانب عملی موجود در جهان کنونی، بسیاری از حکومتهای اسلامی، دیگر نمی توانند بر اساس علم نظری، به تئوریهای خود جامه عمل بپوشانند و بدین ترتیب، تغییرات در سطح مسائل سیاسی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، آموزش و پرورش، در بین مسلمانان و این کشورها نیز به وضوح دیده می شود که می بایستی از عقاید خود عدول نمایند.

برای تفهیم هر چه بیشتر ویژگیهای بوسنی و هرزه گوین، می توان اذعان داشت که مسلمانان، شباهت زیادی به یهودیان دارند. برای مسلمانان، قرآن به عنوان کتاب الهی به شمار می رود، یعنی تکامل یافته ترین نصایح حق تعالی که سرچشمه آن در آسمان قرار گرفته است. بسیاری از مسلمانان، علی رغم حجم قرآن، حافظ این کتاب بوده، مرتبا آن را زمزمه و تکرار می کنند. برای نشان دادن اسلام و مسیحیت، می توان این نکته را خاطر نشان ساخت که قرآن، مبنا و پایه های اساسی زندگی اسلامی است و این کلماتی است که مسلمان با آن به زندگی خود ادامه می دهد. در واقع، مسلمان با اسلام متولد می گردد، به طوری که در گوش بچه های تازه تولد یافته، ادای شهادتین از واجبات به شمار می رود..... از همان اوان کودکی، مسلمانان به خواندن و آموختن برخی آیات قرآن، با فرمول ویژه ای می پردازند و به عبارتی، همین که بچه حرف زدن را می آموزد، آیات قرآنی را برای وی تکرار می کنند تا به نحوی در آینده، برای وی ملموس باشد. برخی از آیات، در نماز یومیه تکرار می گردند. مراسم ازدواج، همراه با آیات ویژه ای به انجام می رسد و در هنگام ترحیم نیز قرآن خوانده می شود.

در پایان، این نکته قابل ذکر است که اسلام نیز مانند مسیحیت، دارای شعباتی است که از جمله می توان به مذهب شیعه و سنی اشاره نمود. مسلمانان بالکان مانند 90 درصد از دیگر مسلمانان جهان، اهل سنت می باشند.

منبع:

سفارت ج.ا.ا - بلگراد، به نقل از مجله نین، 14/1/1999